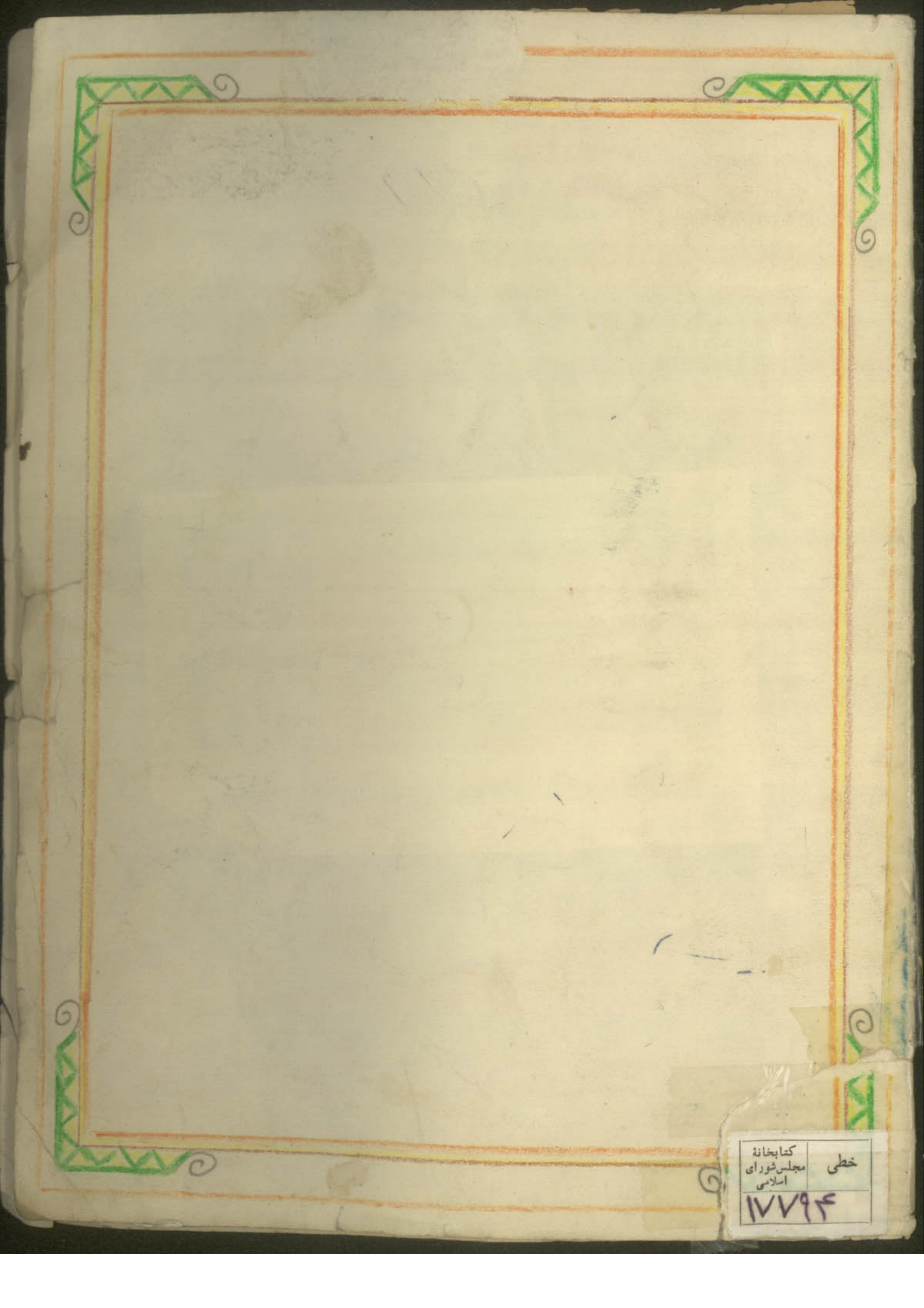
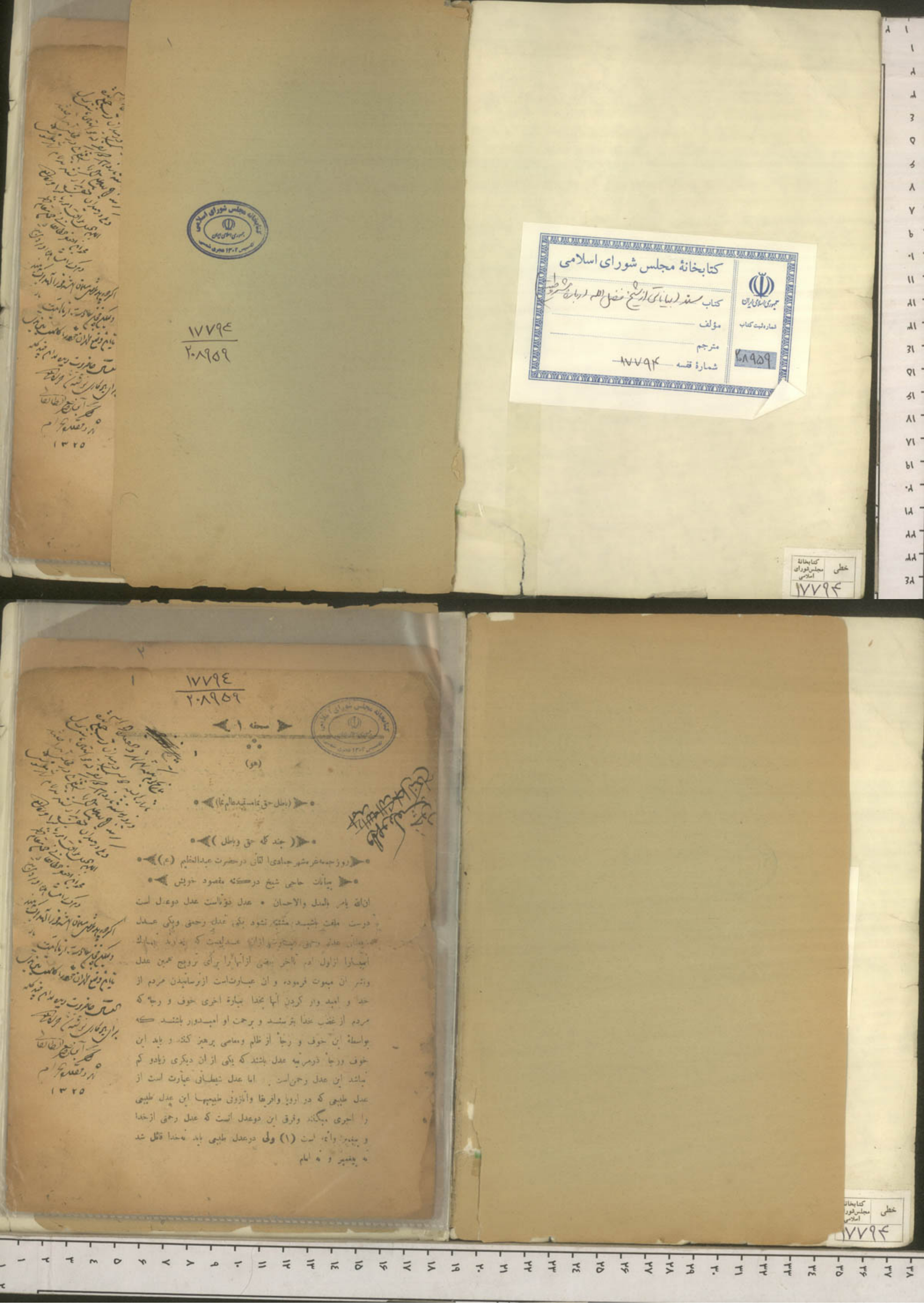




(هو)

(باطل حق نما مستبد ظالم ها)

(جند که حق وباطل)

روز جمعه غره شهر جمادی الثانی در حضرت عبدالعظیم (ع)

بیانات حاجی شیخ در ترکه مقصود خویش

ان الله یامر بالعدل والاحسان . عدل دو تاست عدل دو عدل است دوست ملتفت باشید مشتبه نشود یکی عدل رحمی ویکی عدل [illegible] عدل رحمی [illegible] عدلیست که خداوند همهٔ انبیا را از اول آدم تا آخر بعضی از آنها را برای ترویج همین عدل ونشر آن مبعوث فرموده و آن عبارت است از ترسانیدن مردم از خدا و امیدوار کردن آنها بخدا بعبارة اخری خوف و رجا که مردم از غضب خدا بترسند و برحمت او امیدوار باشند که بواسطهٔ این خوف و رجا از ظلم ومعاصی پرهیز کنند و باید این خوف ورجا در مرتبه عدل باشند که یکی از آن دیگری زیاد و کم نباشد این عدل رحمی است . اما عدل شیطانی عبارت است از عدل طبیعی که در اروپا وافریقا وآمریکا طبیعیها این عدل طبیعی را اجری میکنند وفرق این دو عدل آنست که عدل رحمی از خدا و پیغمبر وامام است (۱) **ولی** در عدل طبیعی باید نه خدا قائل شد نه پیغمبر و نه امام

درست ملتفت باشید دقت کنید به بینید مقصود ماچیست ما چـه
حرف داریم غرض از مهاجرت باینجا چیست ان روز اول که
ندای العدل شنیدیم دیدیم که عدل خوب چیزیست و همه علما و
طلاب متحد ومتفقا درمقام مطالبهٔ ان برامدیم وکشیدیم ان زحمتهائیرا
که همه میدانید وازمال و عیال وجان گذشتیم بخدای لا شریك له
من دوراه قم چهارهزار تومان صدمه کشیدم ویك شاهی تاحال
ازکسی بمن نرسیده (۳) حالا میگویند صـد هزار تومان گرفته من
صـد هزاروا بشما بخشیدم هرکس صـد تومان بمن داده بیاید شود
و بگوید کوکی بمن صـد تومان داده چرا نمیگوید غرض انهمه زحمت
کشیدیم یاالعدل وا گرفتیم ان وقت گفتیم یك مجلس باشد ازعلما و
زهاد وتجار بنشینند وان عدل را که انبیا (٤) واولیا میکردند
اجرا کنند (بعبارهٔ اخری مردم را از خدا بترسانند وبه امید
وار کنند) این بود که مجلس فراهم اوردیم نشستیم تمام علما
حاضر میشدیم مراقب بودیم تا چندی قبل که دیدیم
بی دزد پیدا شده طبیعی بیاشد ﴿ دربین یکی گفت آقایان پیدا شده ﴾
فرمودند نه باز بابی بهتراست بازبابی یك اسم خدائی میبرد طبیعی ۵
هیچ خدارا قائل نیست بلی میخواهند سر این عدل رحمانی را بر
گردانند عدل طبیعی کنند رفته رفته دیدیم میخواهند برای
این مجلس قانونی بنویسند این بود که تمام علما (٦) متفقا
جمع شدیم وهفت شب نشستیم زحمتها کشیدیم انچه نوشتنی بود
نوشتیم ونك و اصلاح نمودیم و ازجمله ماده نیز نوشتیم که باید ازعلمای
طراز اول باید انجمنی باشد که اقلا کمتر از پنج نفر نباشد

ودوطرف اکثر میتواند هزار نفر هم باشد ۷ وعلما وحججی که انجا
حاضر بودیم همه تصویب کردند که این خوبست وعیب ندارد و من این را
لایحه زده وبانام خود امضا نوشتم طبیعی ۸ها ایراد کردند که چرا
بامضا خود نوشته این دفعه برگردانیدم انجور که همـه میدانیـد
نوشتم (۹)این دفعه چنان بمن سخت گرفتند که اخر دیدم اگر
بیش از این انجا بمانم فساد خواهد شد لابد مهاجرت کرده در
این زاویه مقدسه حجج اسلام علما طلاب زهاد متدینین همـه جمع
شـدند اخر بابا به بینیـد این هـا همه ﴿ ۱۰ ﴾ حجج اسلام
علمـای متدینین هستند در واقع انهمها منتخبین علمـای
طهران شما هستند نمیگویم درطهران علما نیستند و لی میگویم
متدینین انهاانها هستند که اینجا امده‌اند ازجمله اقای حاجی میرزاحسن
اقای تبریزی حجةالاسلام ومجتهد اذربایجان است که تشریف دارند
اخر به بینید ماحرفمان چیست چه غرضی داریم اخرادم عاقل ۱۱ بجهت
خودرا باین بی احترامی نمی اندازد اخر درد داریم (۱۲)والله
العلی الملك الملوك ازان وقتیکه ماانجا امده ایم یك نفر نیامده است
بگوید که اخر حرف شما چیست غرضتان ازامدن اینجا چه اخر
لامر پریروز همان لایحه نوشتیم فرستادم یکی ازمطبعهاچاپ بکنند
چاپ نکرده بودند (۱۳)به بینید ای مسلمانها کار بکجا رسیده
که صوراسرافیل هرچه بخواهد می‌کند ولی نوشته مرا چاپ نمیکنند انوقت
قرآنی از بغل در اورده و قسم خورده که من غرضی ندارم
(۱٤)وگفت اللهم ان هذا حبلك بيننا وبينك وختم نمود

نگارنده البته اقلا یانصد نفر انجا حاضر بودند شهادت میدهنـد

که بنده انچه که ازتقریر خود شیخ شنیدم نوشته‌ام مگر بعضی عبارات
مکرر که قابل توجه نبود متروك شد

(۱)برکسی مخفی نیست ان قانونیکه فرمایش شما قانون طبیعی وشیطانیست
غالبا بلکه اس اساسش را از قانون اسلامی گرفته‌اند خود فرنگیان
امروز مقر ومعترف هستند که قانون اسلام محکم ترین قوانین است
وفعلا همان قوانین اسلام است که دراروپ رایج وازان ایران مامت
ودیگرا انیکه شما طبیعی وبقول خودتان منکرخدامیدانید دین عیسوی
دارندونصب دین انهارا همینقدربس که یك نفر بابی ویك نفر شیخی
و میانه انها پیدا نمیشود وکشیشان ایشان از ملت مواجب معین
که انعوانزمنهای دعوت دیدشیس کرده داعیان ایشان در تمام
بلادمشغول دعوت بدین حضرت عیسی هستند چنانکه امروزعدهٔ نفوس
عیسویانرا سه برابر صدسال قبل میبینم اینفوس عیسویان زاد ولـد
میکنند ولی مسلمانان عقیم و نازادهستند و نصف مملکت ژاپون را
امروزه عیسوی نموده‌اندولی ازبرکت مثل توعالمی یك نفرازجانب شیعه
درانجمن مذهبی انجا نرفته بگوید ماهم یك دینی داریم بلی شما فرصت
این چیزهارا نداشتید (۲) انها نیـکه دست توی کار داشتنـد
میدانند کهانوقت جناب عالی را علما وتجارهزار زحمت ووعده و وعید
بقم حرکت دادندودر خود قم هم چه موشکهـا اب میدادی معلومست
(۳) عجب است اولا کسیکه پول داده انجا تشریف ندارند وثانیا کسی که پول
میدهدکهاشجور کنند نباید بگوید بلی من پول داده‌ام کهشمااین دستگاه را
راه بیندازید (٤) میفرمائید مجلس را برای این عدل خواستیم
باین معنی که مجلس مرد مرا از خدا بترساند و بخدا امیدوار کند

سبحان الله موعظه تکلیف انبیا واولیا و حجج اسلام وواعظین است
وبقران واخبار ونصایح مامردمرا نصیحت وموعظه میکنند وهمه اینهارا
بیشتر ازقدر لزوم داشتیم وداریم درهر شهر کوچکی صدنفر حجةالا...
ودرهر مجلسی بیست نفر واعظ ودرهر کتابخانه دوهزار کتاب ... و حجت
واخبارونصایح موجوداست تمام اینها امورمذهبی ما ست که ... بهمین امروز
ندارد نمیدانم چه جواب بگویم ازهرمرد عوامی بپرس... کجا دور شده
برای چیست خواهد گفت برای امور مملکتی
موعظه ونصیحت (۵)معلوم میشود جناب عالی ... ان روز ها
مذاهب ندارید یا میخواهید عوام شبهه کنید عباره... میشنیدی
عوام طبیعی ان کسیست که حکمت طبیعی خوانده باشد ... احق
اصولی ان کسیست که علم اصول خوانده باشد وحکمی ان کسیست
که علم حکمت خوانده باشد وخود حکمت طبیعی علمیت که علم
طب و دواسازی وشیمی وفیزیك ازمسائل ومقولات ان علم است که
امروز اهل عالم کرهاحتیاج بانهادارند وتمام صنایع محیرالعقول اروپا
ازبرکت همان علمست انکه خدارا قائل نیست دهریست که تمام اثرات
تکوینی را نسبت بدهر میدهند نه طبیعی عباره
(٦) چند نسخه ازمسوده قانون اساسی را بعلما دادند چنانکه
به بعضی مدارس طلاب هم فرستادند و تمام وکلا هم هریك نسخهٔ
داشتند که هرکس چیزی بنظرش رسید درکنارش یادداشت نموده در
مجلس مذاکره نمایند وخصوصا ازعلما وعده گرفتند که در یك جا
نشسته هر چه کفتنی دارند بگویند و انهم محض این بود که مثل
جناب عالی کسی درخارج کلك جور نکند وحرص نرقصاند

...ن کسی خیال دزدی نداشت وکار زیر ابکی نمیکردند چه این
...ون بدست همه میبایست برسد وتمام مسلمانان بخوانند چگونه
...ك چیز خلاف مذهب را فرمایش شما دزدکی داخل ان کنند
(۹) ...
غالبا باك ... در جوال کردن بود یارات بانك روس بود که

امروز مقر وم...

...این اتفاق واجماع عرض میکنم خوب اقا این
وفضلا ... قوانین ... مجلس حاضر بودند حکم بطلی وتفیق خدائیست
ودیگرا ... م تر ازان ممکن نباشد نه ایا اجماع تمام علمای
داره و نصب ... مخالفت ان جایز باشد نه پس ممکن است که همان ماده
و مبانو ... سود که صحیح بروی عیب ش ازاو و محکم تر ازاولی
که ... ان می بینیم این طوریکه نوشته شده ودر روزنامجات
بلاد ... خصوصا درج شده وبولایات رفته محل تصویب تمام علمای طهران
وسایر بلدان واقع شده وکسی حرفی ندارد بلکه این را محکم تر ازاولی میدانند و
اگرهم اختلاف دریك مسئله علمی میان علما دسته بندی وجیدرنمق
و لعن و طعن ودشنام بعلماو وکلای محترم ونسبت بابی گری بهوا
خواهان مشر و طیت ودر کوچها کتك زدن بانها لازم نداشت
و انجمن وچادر ولوایح برای اغوای عوام چه لازم بود بانشنیده ایم
تاحال که دونفر عالم که دریك مسئلهٔ اختلاف کردند دسته بندی
ازعوام برای خوددرست کنند اگر مقصود دسته بندیست ماچا ضر
نیستیم مافساد نمیخواهیم مابازار اشفته وا طالب نیستیم زیراکه مامستبدین
میانه نداریم وشبها درخانمان بخیال میخوابیم خوب اقا فرض
کرفتیم که این قانون بدون تصویب علما بصحه همایونی رسید ایادر بطل

و وکلا قائم و پنهان خواهدماند نه بلکه بتمام ولایات اسلامی رفته وهمه
علما مفصلا خواهند دید ودر صورت مخالفت باشرع مردود شده
وتغییر داده خواهد شد پس شما امروز که این قانون هنوز ازمجلس
مذاکره بیرون نیامده وتصویب نشده وبصحه نرسیده وبهیج وجه
قانونیت پیدا نکرده این چه بازاریست اشفته کرده اید ایاهمین امروز
میترسی اسلام ازمیان برود که اگر دوماه صبر کنی فرسنگها دور شده
و دست رس باسلام نخواهید داشت

(۸) ازطرف سؤال جواب شما علما و وکلا بود که ان روز ها
خود حضورا حاضر میشدی ومقصود خویشرا میگفتی و میشنیدی
پس مقصود جناب عالی از لا یحه میان مردم عوام ابدا حتی
خودسته بازندوامثال انرا درجنب مجلس باچوب وچماق وسایر چاهلی
دیگر انتشار دادن چه بود جز اختلاف کلمه واغوای عوام بود
ولاعوام که طرف صحبت شما نبودند خوب فرضا حق بجانب
شماست حالا شما ازکی قهر کرده اید از ملت عوام عوام که همیشه
منشا هزار گونه معاصی ومفاسد بوده چرا محل هیچ وقت قهر
نمیکردی بلی دنیارا فساد شرعی وعرفی بگیرد ولی احترام شما
پابرجا باشد عیب ندارد حق دارید امروز بی احترامی بشما اعظم
معاصی گذشته واینده است

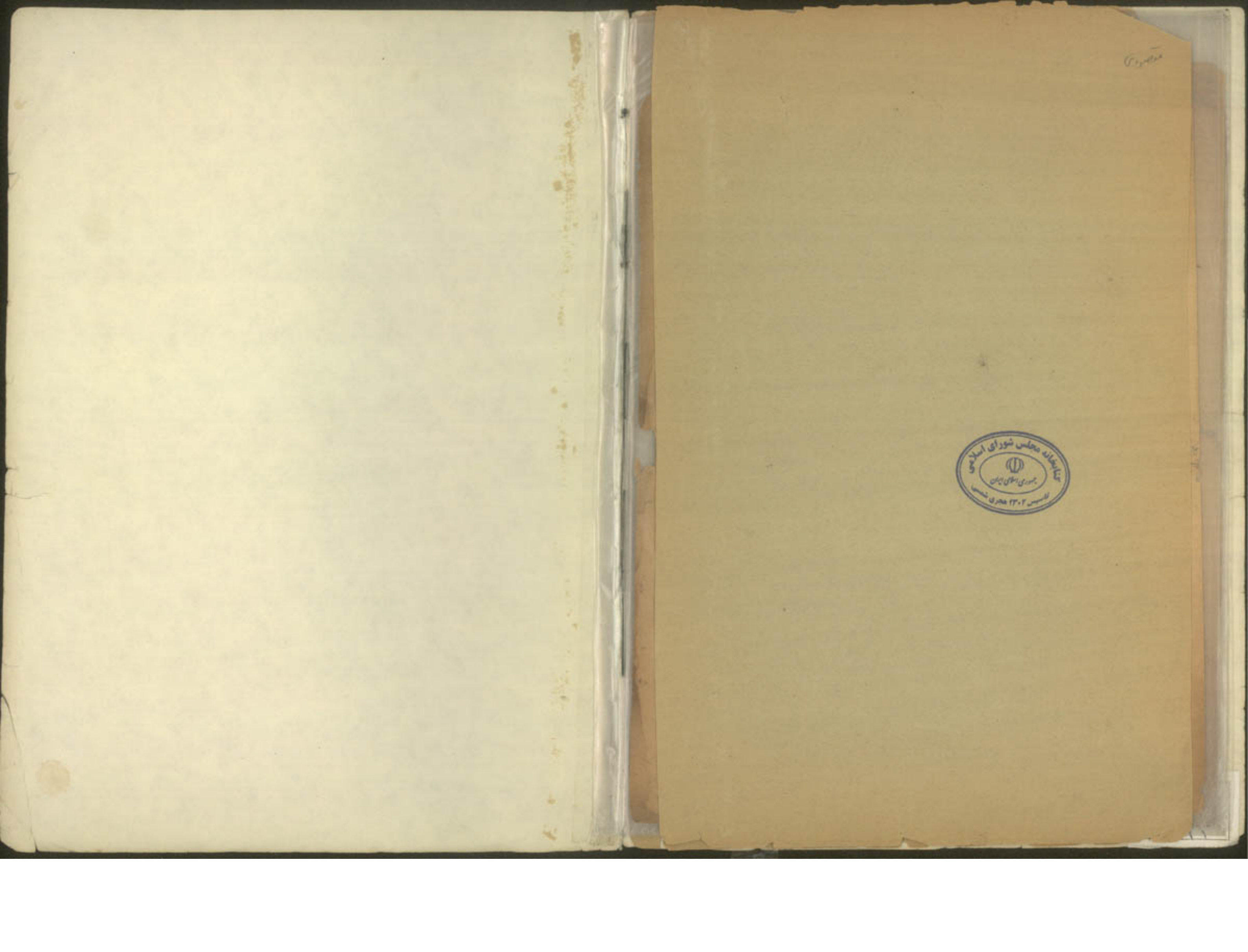
(۹) از ده بیست روز از تشران لوایح گذشت که روز بروز
مخالفت شما وافساد اجزای شما وهتك ایشان احترامات وکلای محترم
واغوای ایشان مر عوام را معلوم واشکار شده ملت وجود شمارا
مخالفت امنیت دیده وچندی نبودن شمارا در طهران لازم دانسته

ازدحام نمودند لاعلاج ازاین علاجی نداشتند گذشته از این در بین
ازدحام جناب حجة الاسلام اقای اقا سید محمد تشریف اورده اظهار
داشتند که همان روز درحضور اقا تشریف داشته و معاهده و قسم
یاد نموده اید که بعد از این لوایح ومجالس وحرکات واقوال مخالف
بامجلس شورای ملی از جانب شما صادر نشود ومثل سایر حجج وعلما
موافقت کرده مجلس را زینت نمائید واما از جانب خود بمردم اطمینان
داد که از جانب شما اسوده باشند مردم هم با کمال امتنان و شادی
قبول کرده متفرق شدند خوب بعد از این چرا مخالفت عهد وقسم
کردید کسیکه دیگر با شما کاری نداشت دیگر اینهمه را مهاجرت کرده
تفرقه انداختید ایا اجرا نیست که بی جهت میکردید وتفرقه میان مردم
را لازم دارید

(۱۰) بلی اشخاصیکه در طهران باهم قرار داد کرده وبعضی برقعه
ودعوت انجا جمع شده اند متحصنین عدا طهران هستند ولی صدوبیست
نفر وکیل که بی نفر متجاوز ازانها دو واقع از علمای ایران هستند
وهر یکی چشم علمای یك شهری بوده اند درصورتیکه هیچ کدام از
انها همدیگررا نمی شناخته اند وهر کدام بقرعه منتخب شده اند حال
که بتجا امده اند همه جور نسبت • • • در حق ایشان روا میدارید
عجب تر انکه اشخاصیکه فعلا اقا همه را حجة الاسلام میخوانند پیش
از این اگر اسم یکی از انها را بحجة الاسلام
کسی می برد اوقاتی میفرمودند چه حجج اسلامی از جملهٔ انها
سیداحمد بهبهانی که ازعلما هم نیست بدونسبت که ایشان چه کسی هستند
ازجمله ملا محمدامل موصلی خوب جناب ایشان که هیچوقت بمجلس

٥





کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

